



اخبار

آعداشلو بعد از جراحی آرزویش را محقق می‌کند؟



آیدین آعداشلو به دلیل عارضه دیسک کمر، عمل جراحی انجام داده و حالا حال عمومی‌اش خوب است. او که آرزو دارد برای نوشتن خاطراتش به شهر پدری‌اش «آعداش» برود گفته بود به دلیل عارضه دیسک کمر این آرزو هنوز محقق نشده است.

طبق پیگیری‌های صبح امروز ایسنا از بیمارستان آبان، این هنرمند نقاش دو روز پیش (۱۴ مهر) در این بیمارستان تحت عمل جراحی قرار گرفته است؛ از سویی خود این هنرمند امروز (۱۶ مهر ماه) در صفحه اینستاگرام خود ویدیویی را منتشر و درباره حال جسمانی‌اش بعد از جراحی دیسک کمر صحبت کرد.

آعداشلو در این ویدئو اظهار می‌کند: یکی – دو سالی بود که دیسک کمر و سیاستیک خیلی ازارم می‌داد. تصمیم گرفتم عمل کنم و این عمل به ترغیب پزشکم انجام شد. او من را قانع کرد این کار را انجام بدهم. عمل خوبی بود اما همچنان مثل هر عملی دردناک است. دوران استراحتم را می‌گذرانم. باید حتما یکی – دو هفته‌ای استراحت کنم و بعد برگردم سر کار و زندگی‌ام؛ همه کارهای باهوده و بیهودهای که در تمام عمرم انجام دادم.

این هنرمند نقاش و نویسنده سال گذشته هم‌زمان با تولد ۷۷سالگی‌اش به ایسنا گفته بود: «خیال دارم برای یکی – دو سال به مکنای برگردم که پدرم در آنجا به دنیا آمده بود؛ یعنی «آعداش» که شهر کوچکی میان باکو و گنجه است و آنجا خاطراتم را تمام کنم؛ زیرا بخشی از آن را نوشته‌ام.»

او همچنین چند روز پیش از عمل جراحی‌اش، درباره محقق شدن این آرزو به ایسنا گفت: هنوز این آرزو را دارم اما به دلیل عارضه دیسک کمری که یک سال و نیم است من را خیلی ازار داده هنوز در جایگاه آرزو باقی مانده است.

او ادامه داد: اما چون باید آن را به جایی برسانم امیدوارم بتوانم به نقاشی‌هایم ادامه بدهم و خاطراتم را بنویسم و هم شاید سلسله مقالاتی درباره مسائلی که در جامعه هنر ایران مطرح شده، بنویسم. تا به حال به درستی فکر می‌کردم این وظیفه من نیست اما آدم وقتی فکر می‌کند چیزی وظیفه‌اش نیست که دیگران انجام بدهند اما وقتی می‌بیند دیگران انجام نمی‌دهند خود را ملزم می‌داند که روشنگری کند.

برپایی «هفته فیلم اروپایی» در ۶شهر

«هفته فیلم اروپایی» در ادامه برنامه هفته‌های بین‌المللی فیلم در گروه «هنر و تجربه»، از ۲۰ تا ۲۷ مهرماه توسط گروه سینمایی «هنر و تجربه» در شش شهر برگزار خواهد شد.

این برنامه روز جمعه بیستم مهرماه ساعت ۱۷ در سالن استاد نصری خانه هنرمندان ایران افتتاح خواهد شد. در طول «هفته فیلم اروپایی» پانزده فیلم در تهران، شیراز، اصفهان، تبریز، کرمان و بابل به نمایش درخواهد آمد. این هفته فیلم شامل کارگانه‌های فیلمسازی با موضوع سینمای هنری با حضور سینماگران در سه شهر تهران، شیراز و اصفهان خواهد بود که شرح این کارگاه‌ها متعاقبا اعلام خواهد شد. ورود برای عموم علاقه‌مندان آزاد و رایگان خواهد بود.

یک کمدی و یک فیلم کودک اکران می‌شوند

فیلم سینمایی «آهوش پیشونی سفید ۲» هم‌زمان با هفته کودک از ۱۸ مهرماه اکران می‌شود. فیلم سینمایی «لس‌آنجلس تهران» به کارگردانی تینا پاکروان نیز از چهارشنبه ۱۸ مهرماه به جای فیلم «سوفی و دیوانه» اکران می‌شود و البته اکران فیلم «سوفی و دیوانه» در زیرگروه‌ها همچنان ادامه دارد. «لس‌آنجلس تهران» به کارگردانی تینا پاکروان که در ایران و امریکا فیلمبرداری شده که پرویز پرستویی بعد از ۱۲ سال با آن به عرصه کمدی بازگشته است. فیلم «آهوی پیشونی سفید ۲» به کارگردانی سید جواد هاشمی در ادامه قسمت اول این فیلم ساخته شده و در جشنواره فیلم کودک و نوجوان هم نامزد بهترین فیلم کودک شده بود.

همزمان با روز جهانی کودک

کودکان هم صاحب نگارخانه شدند

«اولین نگارخانه کودک» هم‌زمان با روز جهانی کودک ۱۶ مهر ماه ساعت ۱۰با حضور کودکان در فرهنگ سرای ارسباران افتتاح شد.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی فرهنگ سرای ارسباران، محسن سلیمانی رییس فرهنگ سرای ارسباران هدف از افتتاح «نگارخانه کودک» را برقراری ارتباط، بیان احساسات و به‌روز حالت‌های درونی کودکان با هر شکل از هنرهای تجسمی نظیر نقاشی، سفال، تصویرسازی دانست.

محسن سلیمانی افزود: ضرورت یادگیری هنر برای کودکان را در رشد مهارت‌های کلامی، ارتباطی، تفکر، قدرت تصمیم‌گیری و حل مسئله، یادگیری بصری –فضایی، رشد تفکر انتقادی و بکارگیری اطلاعات بصری، ارتقای هوش نوآوری حائز اهمیت دانست.

او هشیاری فرهنگی را برای کودکان در عصر ارتباطات در فضای مجازی مهم دانست و افزود: آموزش هنر به کودکان در درک و تفسیر بهتر باورها، ارزش‌ها و هویت فرهنگی جامعه و رشد و شکوفایی استعدادها و مسؤولیت‌پذیری آنها کمک می‌کند.

محسن سلیمانی تأکید کرد: بازدید کودکان از نگارخانه‌ها، موزه‌ها و آثار فرهنگی و هنری، یادگیری هنر و خلق آثار هنری از سنین پایین باید از سوی والدین مورد توجه قرار گیرد.

محسن سلیمانی همچنین از برگزاری نمایشگاه‌های هنری با آثار دانش آموزان در نگارخانه کودک به طور رایگان خبرداد.

همچنین در این برنامه نمایش «گروفالو» نوشته بهرام جلالی به کارگردانی آرش بازغیزاده برای کودکان اجرا شد.

بازدید از نگارخانه کودک و تماشای آثار نقاشی گروهی کودکان با موضوع «صلح» اجرای مسابقه و بازی گروهی بخش‌های دیگر ویژه برنامه روز جهانی کودک در فرهنگسرای ارسباران بود.

در این برنامه که سفیران شرکت آب و فاضلاب تهران نیز در آن حضور داشتند، کودکان با الگوهای مصرف پهنه آب آشنا شدند و به رسم یاد بود از سوی فرهنگسرای ارسباران کتاب هدیه گرفتند.

رضا درمیشیان «مجموریم» را می‌سازد

رضا درمیشیان فیلم تازه‌اش را با نام «مجموریم» جلوی دوربین می‌برد. به گزارش ایسنا، گفته می‌شود پروانه ساخت «مجموریم» به تازگی صادر شده است. «مجموریم» پنجمین فیلم رضا درمیشیان پس از فیلم‌های «بغض»، «عصبانی نیستم!»، «لانتوری» و فیلم به نمایش درنیامده «یواشکی» است.

سروش یامداد –امروز نودمین زادروز سهراب سپهری شاعر و نقاش پر آوازهٔ ایرانی است. او متولد ۱۳۰۷ خورشیدی بود و در سال ۱۳۵۹ در گذشت و جالب این که هر چه از مرگ سهراب گذشته محبوب تر شده است. همان گونه که در سال های اخیر تابلوهای نقاشی او به قیمت هایی به فروش می رسد که هرگز به خواب هم نمی دید.

منتقدان شعر نو و چهره هایی چون دکتر حمیدی شیرازی طعنه می زدند که مردم شاعران نوپرداز را دوست نمی دارند یا اشعارشان را از بر نمی کنند یا شعر آنها ضرب المثل نمی شود.او نیست تا ببیند که مردم برخی از اشعار سهراب را از بر هستند و او را دوست می دارند و همین که با نام کوچک از شاعر فقید نام می برند از محبوبیت او حکایت می کند.

سال های پائینی عمر او که با تشدید بیماری همراه بود با اوج گیری سیاست در ایران هم زمان شد و در آن گیر ودار شعر او چندان که باید شناخته و معرفی نشد. فضای حاکم بر ادبیات روشن فکری هم متمایل به چپ بود و جنس شعر سپهری را شعر متعهد نمی دانست.

شاعری در اندازه و آوازهٔ احمد شاملو مجلهٔ هفتگی «کتاب جمعه» را منتشر می کرد که شمارگان آن به سی هزار نسخه هم رسید اما نشانی از سهراب در آن نبود چون تصور می شد در دنیای دیگری سیر می کند. شاملو خود جایی گفته بود شعر من شیوهر است و شعر سهراب، لالایی. من نمی خواهم مردم به خواب بروند و می خواهم برخیزند.

از یک طرف نزد شاعران چپ جایی نداشت و از سوی دیگر شاعران کلاسیک سبک او را نمی پسندیدند زیرا شعر شاملو با موسیقی درونی و توزیع هنرمندانهٔ خود مسحور می کرد. سهراب اما راه خود را باز کرد خاصه این که اصرار نداشت با شاعران هم‌اوردی کند و پیشه اش را نقاشی می دانست و بیشتر به گشت و گذار در دنیا مشغول بود و بر خلاف شهرت به گوشه نشینی و انزوا اهل سفر بود و کمتر کنشوری است که به آن نرفته باشد.

مهم ترین جنبهٔ شهرت سپهری طبیعت دوستی بود و می توان او را فراتر از شاعر و نقاش یک طبیعت گرد واکوتوریست هم دانست و جا دارد جایزه ای به نام او در این عرصه هم اختصاص یابد.

سهراب، یک ایرانی واقعی است. روح شرقی او از شعر و نقاشی اش هویداست و همهٔ اینها از سهراب، شاعری محبوب و دل نشین ساخته و همه به او احساس نزدیکی و صمیمیت می کنند و این گونه است که یکی از ۵ رکن شعر نو فارسی به حساب می آید. اگر شعر کلاسیک ۵ رکن اصلی دارد : فردوسی، مولانا، سعدی، حافظ و نظامی (برخی عطار یا خیام را در ضلع پنجم قرار می دهند) شعر نو هم با این ۵ چهره شناخته می شود. نیما، شاملو، اخوان، فروغ و سهراب.

سهراب شاعر سکوت و تماشا بود و به تعبیر خود «به مهمانی

به بهانهٔ نودمین زادروز سهراب سپهری

تولدت مبارک؛ آقای شاعر سکوت و تماشا!



دنیا رفته بود.»

در مرداد ۱۳۳۶ از راه زمینی به پاریس و لندن سفر کرد تا در

مدرسه هنرهای زیبای پاریس در رشته لیوتوگرافی نام نویسی کند. پس از چند ماه سفری به ایتالیا رفت و بعد از دو ماه اقامت در آنجا

خاطرات عکاسی از کودک نابینای «رنگ خدا»

لحظات ناب «بچه‌های آسمان» چگونه عکس شد؟



دوستان خوبی برایشان باشیم تا بتوانیم آن‌ها را با خود همراه کنیم.

وی افزود: برای عکاسی از کودکان باید وارد دنیای کودکان آن‌ها شد. ما نمی‌توانیم از کودکان بخواهیم زستی که در نظر داریم را بگیرند و با آن‌ها حرفه‌ای رفتار کنیم بلکه باید از شیوه زندگی‌شان که رها و آزاد هستند عکاسی کنیم. هر چه عکس، زمان بیشتری را در کنار کودک سپری کند با حالات او بیشتر آشنا شده و عکس‌های بهتری را به ثبت خواهد رساند. هنگامی می‌توان از کودکان عکس‌های خوبی گرفت که آن‌ها حضور عکاس را احساس نکنند.

این عکاس عنوان کرد: تمام عکس‌های فیلم‌های رنگ خدا و بچه‌های آسمان را دوست دارم. عکس مورد علاقه من در بچه‌های آسمان مربوط به سکاسی است که زهرا حبیبی در دست دارد و می‌خندد. این عکس به‌خوبی نماینگر شادی و رهایی در دوران کودکی است. در فیلم «رنگ خدا» از محسن عکسی گرفتم که دستش را از پنجره آوتوبوس بیرون آورده و جریان باد را احساس می‌کند. محسن پری نیز در دست دارد و زمانی که آن را مقابل چشم‌اش گرفت عکسی را به ثبت رساندم و تصمیم داشتم حس رهایی را به تصویر بکشم که نمی‌دانم تا چه حد موفق بوده‌ام. این عکس‌ها جزو سکانس‌های فیلم نیست.

عطار اظهار کرد: چیزی که سبب می‌شود از عکاسی از کودکان لذت ببرم این است که می‌توانم پاک بودن و لحظات ناب زندگی آن‌ها را به ثبت برسانم. لحظاتی که در آن هیچ ربایی وجود ندارد و خالصانه متعلق به وجود کودک است. در عکاسی پرتره برای نشان دادن پاک‌ی درون کودک از نورهای نرم و سافت استفاده می‌کنیم و کادربندی به‌گونه‌ای نیست که فضای عکس خشن جلوه کند. رنگ‌ها نیز برای نشان دادن شادی کودک روشن و شفاف هستند مگر در شرایط نامساعد همچون جنگ که البته در این شرایط نیز می‌توانیم تنها محیط کودک را خاکستری نشان دهیم.

وی در پایان گفت: به جز فیلم‌های سینمایی از کودکان عکس‌های هنری نیز می‌توانم عکس‌های کودک‌ان را با خود همراه کنم.

از کودکان بخواهیم زستی که در نظر داریم را بگیرند و با آن‌ها حرفه‌ای رفتار کنیم. هر چه عکس، زمان بیشتری را در کنار کودک سپری کند با حالات او بیشتر آشنا شده و عکس‌های بهتری را به ثبت خواهد رساند. هنگامی می‌توان از کودکان عکس‌های خوبی گرفت که آن‌ها حضور عکاس را احساس نکنند.

دبیر شورای کتاب کودک با اشاره به این‌که کتابخانه‌های کانون در این سال‌ها خدمات زیادی به بچه‌ها ارائه کرده است می‌گوید: آن‌چه باید اتفاق بیفتد این است که بررسی کنیم و ببینم در کدام مناطق هنوز حتی کتابخانه عمومی نداریم تا در آن‌جا کتابخانه‌هایی را فعال کنیم، همچنین باید نگاه تازه‌ی به کتابداری داشته باشیم و در شهرهای مختلف به کتابداران آزادی بیشتری بدهیم و از آن‌ها بخواهیم برنامه‌های بیشتر و شادتری را برای کودکان اجرا کنند. او می‌افزاید: فضاهایی که تا کنون از کتابخانه‌های اختصاصی کودکان دیدام اصلا فضای جالبی نبوده‌اند و می‌شود خیلی روی

رضا درمیشیان فیلم تازه‌اش را با نام «مجموریم» جلوی دوربین می‌برد. به گزارش ایسنا، گفته می‌شود پروانه ساخت «مجموریم» به تازگی صادر شده است. «مجموریم» پنجمین فیلم رضا درمیشیان پس از فیلم‌های «بغض»، «عصبانی نیستم!»، «لانتوری» و فیلم به نمایش درنیامده «یواشکی» است.

« زندگی در اینجا بد نمی گذرد، گاهی نقاشی، هفته‌ای یکی دو روز هم در تئاتله و کار حکاکا اما اینکه تا کی خواهم توانست اینجا بمانم، با خداست، نمی دانم زیادتر بمانم بهتر است یا برگردم به جای خودمان، میدانم خدمات می گیرم، اما من برای یک طرز زندگی دیگر ساخته شدم.»

رضا براهنی او را «بچه بودای اشرافی» لقب داد و شاملو طعنه زد «سر آدم‌ها را بالا می‌برند و خون به راه می‌افتد و او می‌گوید آب را گل نکنیم». اما هر چه زمان گذشت شعر او ماندگارتر شد و شاملو هم مانند گذشته به او نمی‌تاخت و گاه زبان به ستایش او می‌گشود.

ایدیولوژیک نبودن سهراب سبب شده بود صدا و سیما در ابتدا چندان به او بها ندهد اما بعد تر او را بر دیگر شاعران نو ترجیح دادند هر چند که گاه در ذکر نام او بخل می‌ورزیدند.

اشاعر سهراب قلبیت آن را دارند که بارها خوانده شوند و حیف است که اشعار او را بارها نخوانیم آن قدر که برخی در حافظهٔ ما نقش ببندد.

او با شعر خود نقاشی می‌کرد و با نقاشی شعر می‌گفت.

سهراب، هیچ گاه کهنه نمی‌شود خاصه این که اشعار او قابل ترجمه‌ترین اند. مثلا اگر شاملو می‌گوید « ما بی‌چرا زندگی‌م/ آنان به‌چرا مرگ خود آگاهان‌اند» در ترجمه در نهایت می‌شود این‌که « ما نمی‌دانیم چرا زنده ایم در حالی‌که آنان می‌دانند چرا می‌میرند یا می‌دانستند چرا مرده‌اند» اما در ترجمهٔ اشعار سهراب بسیاری از مفاهیم را می‌توان منتقل کرد.

در این روزگار حتی بیش از زمان شاعر به معنویت نیازمندیم چرا که سهراب سپهری حامل روح معنویت شرقی بی‌آموزه‌های ایدیولوژیک و اغراض دیگر است.

شعر سپهری را بخوانیم چون تمام زندگی «چند» گفتن‌های روزانه نیست.

به تماشا سوگند

و به آغاز کلام

و به پرواز کبوتر از ذهن

واژه‌ای در قفس است

حرف‌هایم، مثل یک تکه چمن روشن بود

من به آنان گفتم

آفتابی لب‌درگاه شماس‌ت

که اگر در بگشاید

به رفتار شما می‌تابد

سهراب سپهری شاعر گشودن هاست تا نوری بتابد.

او می‌گوید: خوشا به حال گیاهان که عاشق نورند و دست منبسط نور روی شانهٔ آنهاست.

و ما می‌توانیم گفت: خوشا به حال ما که شاعری چون سهراب را داریم و دست منبسط او روی شانهٔ این زبان و ادبیات گسترده است…